

مقدمه

بررسی دوگان‌های تقدّم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آنها ... ♦ ۱۲۷

پس از انقلاب اسلامی، ساختار مالیاتی دوره شاهنشاهی به حکومت اسلامی ایران به ارث رسید. طبیعتاً ساختار این نظام مالیاتی مبتنی بر دستاوردهای اقتصاد بخش عمومی در غرب بود و هیچ تناسبی با قوانین اسلامی نداشت. این ساختار در حالی پس از انقلاب به حیات خویش ادامه داد که ساختار نظام منابع مالی اسلامی نیز بر اساس سازوکار سنتی خود و با تأکید عمده بر نقش خمس به روند خویش ادامه داد و برکات زیادی را برای توسعه فرهنگ اسلامی و رشد و شکوفایی حوزه‌های علمیه به همراه داشت.

در سال‌های اخیر، همزمان با تصمیم سیاست‌گذاران اقتصادی کشور مبنی بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تکیه بر مالیات در تأمین بودجه کشور، این سؤال پیش آمده است که آیا با پرداخت خمس و زکات توسط مردم، دولت می‌تواند مالیات نیز بر افراد وضع کند؟ آیا این نظام دوسویه و موازی موجب فشار بر افراد متدین نمی‌شود؟ در بسیاری از کشورهای دنیا، نظام مالیاتی به گونه‌ای طراحی شده است که به کمک‌های خیریه و پرداخت این چنینی، معافیت‌های مالیاتی اعطا می‌شود. بر همین اساس، بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی در ایران نیز با ارائه پیشنهادها ساختاری متعدد، خواستار ایجاد بخشودگی‌های مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان خمس و زکات شده‌اند (سبزو، رضایی، ۱۳۹۱؛ رضایی و موحدی، ۱۳۹۱؛ شعبانی، ۱۳۹۲؛ کاشیان ۱۳۹۴).

به عقیده بسیاری از محققان، پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، تجدید ساختار نظام مالیاتی با تکیه بر اصول اقتصاد اسلامی، کاملاً لازم و اجتناب‌ناپذیر است. از این روست که طراحی الگویی برای یکپارچه‌سازی و یا ایجاد ارتباط بین نظام مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران به منظور اجتناب از پرداخت‌های موازی و نیز ایجاد معافیت‌های مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان خمس و زکات موضوعی است که توجه پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی را به خود جلب کرده است.

اولین مسئله‌ای که در مواجهه با این تجدید یا طراحی ساختار مواجه خواهیم شد این است که آیا مالیات‌های اسلامی، از جمله خمس و زکات، باید به‌عنوان جانشینی برای درآمدهای مالیاتی محسوب شود و یا این دو می‌تواند به‌عنوان مکمل همدیگر در یک نظام واحد مورد استفاده قرار گیرد؟ اگر مکمل یکدیگر محسوب شوند، کدام یک به‌عنوان درآمدهای اصلی دولت باید محسوب شود و کدام یک به‌عنوان درآمدهای مکمل؟

برای پاسخ به سؤال‌ها لازم است ابتدا ابعاد حکومتی خمس و زکات را مطرح کنیم و نوع نگاه اسلام به این دو مقوله را تبیین نماییم؛ زیرا ایجاد همگرایی یا یکپارچه‌سازی در نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف مستلزم نوعی نگاه حکومتی و نه نگاه فردی به این دو مقوله است.

در ادامه، با بررسی ادله مشروعیت وضع مالیات‌های متعارف، جایگاه این مالیات‌ها را در حکومت

بررسی دوگان‌های تقدّم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آنها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران

عبدالمحمد کاشیان / دکترای اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

احمد شعبانی / دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

محمد مهدی عسکری / دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۴

چکیده

یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی تعیین رابطه بین مالیات‌های اسلامی و متعارف است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی این سؤال می‌پردازیم که آیا مالیات‌های اسلامی همچون خمس و زکات، جانشین یا مکمل مالیات‌های متعارفند و در صورت مکمل بودن، کدام یک باید به‌عنوان درآمد اصلی و کدام یک به‌عنوان درآمد مکمل محسوب شوند؟ بنا به فرضیه مقاله، مالیات‌های متعارف مکمل مالیات‌های شرعی بوده و اصل اولیه در طراحی نظام مالیاتی، تقدم مالیات‌های شرعی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در نظام اسلامی، خمس و زکات مقدم بر مالیات‌های متعارف می‌باشند. در این چارچوب، مالیات‌های متعارف می‌توانند به‌صورت ثانوی و مکمل به درآمدهای حکومت اسلامی اضافه شوند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، هیچ کدام از این دو نوع مالیات نمی‌توانند جایگزین هم شوند.

کلیدواژه‌ها: خمس، زکات، مالیات، مالیات‌های شرعی، مالیات‌های متعارف.

طبقه بندی JEL: H2، H71، K34، P4.

استفاده گردد و نهایت اینکه در بعد مصارف منابع، از پرداخت‌های ناصواب و چندگانه به برخی از خانوارها و محروم ماندن برخی دیگر از خانوارها اجتناب شود. ارائه الگوی مبتنی بر ولایت‌فقیه از دستاوردهای این تحقیق محسوب می‌شود.

کاشیان (۱۳۹۴) نیز با ارائه ۶ طرح در زمینه الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و متعارف در ایران و به‌کارگیری ماتریس‌های نظام منطقه‌ای - وظایف - مراجع معظم تقلید، به دنبال ارائه سازوکاری برای احیای نظام خمس و زکات در کشور و حل مشکلات پرداخت‌های دوسویه است.

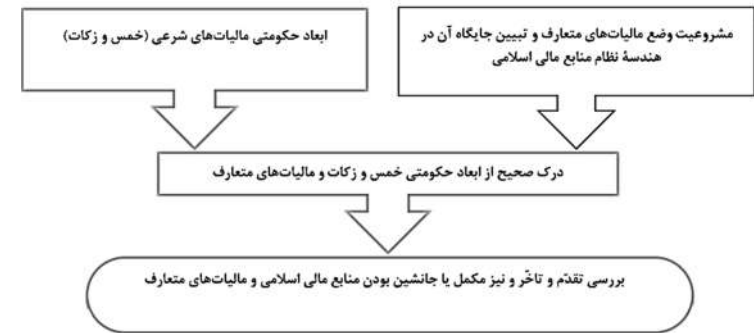
با وجود راه‌کارهایی که تاکنون در این زمینه ارائه شده است، برخی از محققان اقتصاد اسلامی و مسئولان نظام مالیاتی با تمسک به فتوای برخی از فقها مبنی بر اینکه «اگر در یک روز، هم باید خمس پرداخت شود و هم مالیات، اول مالیات را پرداخت کنید و بعداً خمس را حساب نمایید»، این‌گونه استدلال کرده‌اند که مالیات بر زکات و خمس مقدم است. این استدلال، که مقاله حاضر به بررسی و نقد آن می‌پردازد، به‌عنوان یکی از موانع تحقق سازوکارهای اشاره شده تلقی می‌شود. این مقاله ضمن بررسی و نقد این استدلال، به بررسی دوگان‌های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آنها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران می‌پردازد.

لی و دیگران (۲۰۰۸) به مطالعه گسترش ظرفیت مشمول مالیات و رسیدن به پتانسیل درآمد کشورهای صحرایی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از ضرورت اصلاحات مالیاتی در بیشتر کشورهای در حال توسعه است.

عبدالجلیل (۲۰۱۱) به بررسی ظرفیت مالیاتی و تلاش مالیاتی دولت‌ها در مالزی پرداخته است. نتایج این بررسی حاکی از تلاش بیشتر کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته در جمع‌آوری مالیات و همچنین برتری دولت‌های ایالتی در این زمینه است.

وهاب و عبدالرحمن (۲۰۱۲) از طریق تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و مدل تاییت کارایی نهاد زکات در مالزی را با تفکیک بین سه نوع کارایی تکنیکی، تکنیکی خالص و مقیاس مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر آن‌ها عدم کارایی تکنیکی بیشتر از عدم کارایی مقیاس نهادهای زکات در این کشور است. دلیل اصلی این ناکارآمدی نیز عدم استفاده از فناوری‌های جدید در جمع‌آوری و توزیع زکات است. آزمون بازده به مقیاس نشان داده که بیش از نیمی از نهادهای زکات در مالزی کارایی مقیاس دارند. این نوع کارایی به طور عمده ناشی متاثر از نظام پرداخت رایانه‌ای، اندازه برد، کمیته بازرسی، و تمرکز زدایی بوده است.

اسلامی تبیین خواهیم کرد. در مرحله بعد، با در اختیار داشتن مقدمات قبلی و درک صحیح از ابعاد حکومتی خمس و زکات و مالیات‌های متعارف، به بررسی تقدم و تأخر و نیز مکمل یا جانشین بودن منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف می‌پردازیم.



سابقه پژوهش

موحیدی و رضایی (۱۳۹۱) به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و سعی بر آن کرده‌اند با ارائه سازوکاری مشکل پرداخت‌های موازی یا دوسویه را برطرف سازند. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دوسویه است.

رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با بیان اینکه امروزه دغدغه بسیاری از مؤدیان و افراد متدین در کشور پرداخت مضاعف مالیات (مالیات متعارف و خمس و زکات) است، اعتقاد دارند به منظور رفع ابهام موجود، بهتر است دولت با برنامه‌ریزی مناسب، سعی کند نظام مالیاتی را به گونه‌ای تنظیم کند که نه تنها بار واجبات مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند، بلکه زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینان نیز فراهم آید. تجربه تعدادی از کشورهای اسلامی همچون پاکستان، اردن، بنگلادش و مصر نیز حاکی از آن است که پرداخت‌های داوطلبانه مردم مثل زکات، از درآمد مشمول مالیات آنها می‌کاهد. به همین منظور، نویسندگان مقاله مزبور تلاش کرده‌اند تا الگویی برای پذیرش خمس به‌عنوان مالیات ارائه دهند.

شعبانی (۱۳۹۳) به دنبال آن است که با توجه به ظرفیت مناسب و قابل قبول خمس و زکات، سازوکاری طراحی کند که به‌واسطه آن، اولاً، ساختاری منسجم برای نظام مالیاتی مبتنی بر الگویی اسلامی ایرانی ارائه دهد. ثانیاً، به‌واسطه این ساختار، از زیاده پرداختی‌ها و پرداخت‌های بیش از حد خانواده‌های فقیر جلوگیری شود. ثالثاً، از ظرفیت‌های فرهنگی کشور به‌منظور جلوگیری از فرار مالیاتی

پیامبر گرامی بشرین سفیان را برای اخذ صدقات بنی کعب از قبیله خزاعه فرستادند. بشر به جانب ایشان آمد، درحالی‌که در نواحی آنان عمرین جنذب منزل گرفته بود. بنی خزاعه گوسفندان و سایر حیوانات خود را برای پرداخت زکات جمع‌آوری کردند، اما بنی تمیم آن را زشت شمردند. به همین سبب، کمان‌های خود را کشیدند و شمشیرهای خود را برهنه کرده، آماده قتل شدند، به‌ناچار، مأمور زکات به حضور پیامبر آمد. رسول خدا ﷺ فرمودند: چه کسی داوطلب جنگ با این گروه است؟ عیینه بن بکر فزاری به جنگ با ایشان داوطلب شد. رسول خدا ﷺ او را با پنجاه سوار فرستادند (ابن‌هشام، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۲۴).

پس رفتار رسول خدا ﷺ با کسانی که از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مانند رفتار با کفار و مشرکان بود و قتل آنان و اسیری زن و فرزندان ایشان را جایز و لازم می‌دانستند. اساساً رسول خدا ﷺ در نامه‌هایی که به رؤسای قبایل می‌فرستادند، درباره زکات، آنان را در صورت تمرد، به جنگ تهدید می‌کردند. نامه رسول خدا ﷺ به اهل عمان: «من محمد رسول الله الی اهل عمان. اما بعد، فاقروا و بشهادة ان لاله الاالله و النبی رسول الله و اتوا الزکوة و احضروا المساجد، و الّا غزوتکم» (هیربد، ۱۳۵۲، ص ۸۵). در این نامه هم آمده است که اگر زکات ندهید، با شما خواهم جنگید.

علامه حلی در کتاب *منتهی المطلب* می‌گوید: «قال الشيخ: و يجب علی الامام أن یبعث ساعياً فی کل عام لجباة الصدقات لأنّ النبی (ص) کان یبعثهم فی کل عام و متابعته واجبته». وی همچنین می‌گوید: «و ما ذکره الشیخ جید» (حلی، ۱۳۸۵، ذیل مبحث «زکات») احادیث بسیاری بر منع اعطای زکات به غیر شیعه و سلاطین جور، مثل بنی‌امیه و بنی‌عبّاس تأکید دارند که فرار از اعطای زکات شاید ریشه در همین اجتناب‌ها داشته باشد، وگرنه روایات صریحی داریم که اجباری بودن اخذ زکات را از زبان ائمه اطهار ﷺ نشان می‌دهد؛ مثل روایتی از حضرت علی ﷺ که می‌فرمایند: «یجبر الامام الناس علی اخذ الزکوة من اموالهم لأنّ الله یقول: «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۸۶).

علاوه بر آیات و روایات، دلیل دیگری که برای این موضوع می‌توان تصور کرد، رجوع به ادله اختیارات ولی فقیه است (مؤمن، ۱۳۸۰). همان‌گونه که ولی فقیه بر اساس اختیاراتی که در اداره حکومت دارد، می‌تواند به وضع مالیات علاوه بر خمس و زکات اقدام کند، می‌تواند در جمع‌آوری زکات نیز از روش‌هایی مانند مالیات‌های متعارف و یا حتی اظهارنامه استفاده کند.

بنابراین، همان‌گونه که ادله مزبور حکایت می‌کنند، در تاریخ، سیره و روایات نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد پرداخت زکات اساساً فرض اجباری است که می‌توان در مقابل افرادی که از پرداخت آن امتناع می‌ورزند، متوسل به زور و قانون و حتی قتال - در صورت تمرد جمعی و مقاومت در برابر اجرای این حکم الهی - شد.

ازمان ابورحمان و دیگران (۲۰۱۲)، مدیریت زکات در مالزی را بر اساس سنتی و مدرن بودن مکانیزم دریافت و پرداخت زکات در دو دوره قبل و بعد از ۱۹۹۰ بررسی کرده‌اند. قبل از سال ۱۹۹۰، مقدار کمی زکات جمع‌آوری شده است. این امر متأثر از عواملی چون بی‌توجهی به زکات مال‌التجاره، تأکید بر زکات فطره و زکات محصولات کشاورزی و سنتی بودن جمع‌آوری و توزیع زکات بوده است. ولی بعد از ۱۹۹۰، جمع‌آوری زکات به‌صورت سیستماتیک و تخصصی طراحی شد و به بخش خصوصی واگذار گردید. این سیاست منجر به فراهم کردن مأمورین و دفاتر ویژه برای جمع‌آوری زکات به‌صورت مستقل از شورای اسلامی دولت، به‌کارگیری فناوری رایانه‌ای و اجتناب از بروکراسی بدون فایده شد.

لی و دیگران (۲۰۱۲) تلاش مالیاتی و ظرفیت مالیاتی ۱۱۰ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه را طی دوره ۱۹۴۴ تا ۲۰۰۹ موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کشورهای دارای کیفیت نهادی بهتر، توانایی بیشتری در جمع‌آوری مالیات دارند. از این‌رو، افزایش سطح درآمد‌های مالیاتی نیازمند بهبود کیفیت ساختارهای حکومتی کشورها می‌باشد.

ابعاد حکومتی مالیات‌های شرعی (خمس و زکات)

اجباری یا اختیاری بودن پرداخت مالیات‌های شرعی (با تأکید بر زکات)

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که در زمینه زکات وجود دارد این است که آیا حکومت باید زکات را به‌صورت اجباری دریافت کند و یا باید منتظر بماند تا مردم خود اقدام به پرداخت زکات کنند؟ آیا پاسخ به این سؤال در دوره غیبت و دوره حضور امام معصوم تفاوتی دارد یا خیر؟

طرفداران اجباری بودن دریافت زکات، ادله‌ای را بیان نموده‌اند که به بررسی آنها می‌پردازیم: از حیث استناد به آیات قرآن کریم، مهم‌ترین دلیل بر لزوم اخذ زکات توسط حکومت، آیه «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳) است که طبق آن، خداوند متعال به رسول خویش دستور می‌دهد زکات را جمع‌آوری کند.

بررسی روایات و تاریخ نشان می‌دهد که فریضه زکات چنان اهمیتی دارد که تنها به صدور حکم آن اکتفا نشده است؛ بلکه رسول خدا مأمور بودند آن را از مالکان اموال زکوی اخذ کنند، اگرچه به قتال، محاربه و لشکرکشی منجر شود. همچنین در قصص و روایات متعدد پیامبر ﷺ پس از امتناع قوم یا قبیله‌ای از پرداخت زکات، دستور آماده شدن لشکر و تجهیز قوا برای جنگ را صادر فرمودند (اسماعیل پور، ۱۳۸۹). در ذیل، برخی از این نمونه‌ها ذکر می‌شود که در کتاب‌های معتبر تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ، نمونه‌هایی مشابه آنها قابل پی‌گیری است:

نقش حکومت در قبال زکات

حکومت اسلامی برای اداره جامعه و انجام مسئولیت‌های فراوانی که به عهده دارد، به پشتوانه مالی نیاز دارد. اسلام برای برآوردن این نیاز، منابعی در نظر گرفته است. بخشی از این منابع «انفال»، شامل اراضی موات، اراضی آباد طبیعی، معادن، جنگل‌های طبیعی، بیشه‌ها و نیزارها، دریاها، آب‌های معدنی و زیرزمینی، رودخانه‌های بزرگ، مال مجهول‌المالک، و بخشی دیگر نیز وجوهات شرعی شامل خمس و زکات است. در این بخش، به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل هستیم که اگر زکات از منابع مالی حکومت اسلامی است، آیا باید به دولت پرداخت شود تا از آن راه به مصرف برسد؟ یا هر شخص دیگری نیز می‌تواند آن را در جاهایی که تعیین شده است، هزینه کند؟ پاسخ به این سؤال، در دو حالت متفاوت مطرح گردیده است: حالت اول مربوط به زمانی است که حاکم جامعه اسلامی یا ولی فقیه زکات را مطالبه نکرده باشد، و حالت دوم زمانی است که مطالبه کرده باشد.

نظریه اول: پرداخت زکات در صورت مطالبه امام یا حاکم جامعه اسلامی

طرفداران نظریه اول به آیات قرآن کریم، روایات، سیره مسلمانان، اصل و اجماع برای اثبات مدعیان استناد کرده‌اند. روایاتی که دستور می‌دهد خود مالکان، زکات را به اهل آن برسانند؟ روایاتی که اجازه می‌دهد زکات‌دهنده زکاتش را از شهری به شهر دیگر ببرد؛ روایت‌هایی که وکالت از سوی مالک را در پخش زکات بین اهل آن جایز می‌شمارند؛ و روایاتی که خریدن و آزاد کردن برده را از راه زکات جایز می‌شمارند از جمله این روایات هستند. مشهور فقهای شیعه، از جمله محقق حلی در *شرائع الاسلام* (۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۶۴)؛ سید مرتضی در *رسائل* (۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۸۰)؛ شیخ طوسی در *المبسوط* (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۴)؛ ابن‌ادریس در *سرائر* (بی تا، ج ۱، ص ۴۵۸)؛ مقدس اردبیلی در *مجمع الفائدة فی شرح ارشاد الازهان* (۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۵۰)؛ محقق کرکی در *جامع المقاصد* (۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷)؛ علامه نراقی در *مستند الشیعه* (۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۶)؛ شیخ محمدحسن نجفی در *جواهر الکلام* (۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۴۱۵ و ۴۲۰) بر این باورند که در مصرف زکات، مراجعه به امام علیه السلام و حاکم ضرورتی ندارد و خود مردم می‌توانند آن را به اهل زکات برسانند و در راه‌های تعیین شده هزینه کنند؛ ولی بهتر است که در زمان حضور به امام علیه السلام و در دوره غیبت، به فقها پرداخت شود تا از سوی آنان در امور لازم هزینه گردد.

در مقابل دیدگاه اول، صاحب *جواهر الکلام* (۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۴۱۷)، صاحب *حدائق الناضره* (۱۴۰۵ ق، ج ۱۲، ص ۲۲۲) و شیخ انصاری در کتاب *الزکاه* معتقدند که روایات مورد استناد مشهور

فقها اولاً، روایاتی هستند که در زمانی صادر شده‌اند که ائمه اطهار علیهم السلام در حال تقیه بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند برنامه‌ای برای جمع‌آوری زکات و صرف آن داشته باشند. ثانیاً، در برابر این روایات، روایاتی وجود دارند که پرداخت زکات را به امام علیه السلام و حاکم اسلامی واجب می‌دانند. این روایت‌ها در شمار و در سند چنان هستند که معتقدان به دیدگاه نخست، دلالت آنها را بر وجوب پذیرفته‌اند و به توجیه و جمع بین این دو دسته از روایات دست زده‌اند (اسماعیل پور، ۱۳۸۹). علاوه بر آن، آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» نیز به‌عنوان مؤیدی بر این موضوع مطرح شده است.

نظریه دوم: وجوب پرداخت زکات به امام علیه السلام و حاکم اسلامی

مهم‌ترین دلیل موافقان چنین نظریه‌ای استناد به روایات است؛ روایاتی که به‌روشنی هزینه زکات را در راه‌های آن، بر عهده امام علیه السلام و حاکم اسلامی می‌داند. در این روایات، آمده است: امام علیه السلام باید زندگی تهی‌دستان را از زکات اداره کند و قرض آنان را بپردازد. اگر امر زکات به دست امام علیه السلام و حاکم اسلامی نباشد، چگونه می‌توان این وظیفه را بر دوش او گذاشت. همچنین روایاتی که سهم‌بندی زکات را به امام علیه السلام واگذار کرده‌اند؛ روایاتی که از پنهان کردن زکات و ارائه ندادن آن به حاکم اسلامی نهی کرده و آن را از نشانه‌های نفاق شمرده‌اند؛ روایاتی که جمع‌آوری زکات را از وظایف حاکم اسلامی می‌دانند؛ روایاتی که به‌روشنی زکات را از آن امام علیه السلام می‌دانند؛ روایاتی که برآورد مال‌هایی را که بر آنها زکات واجب است بر عهده حاکم گذاشته و وی را موظف کرده‌اند که خبرگان و برآوردکنندگان را برای برآورد بفرستد از جمله این روایات می‌باشند (حر عاملی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۲۴۰). دلیل دیگر بر این مدعا آن است که یکی از مصارف زکات در قرآن کریم کارگزاران زکات «الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» می‌باشد که مدعای مزبور را قوی‌تر جلوه می‌دهد.

در بین فقهای شیعه، قاضی نعمان پس از اشاره به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت در دریافت زکات، به‌روشنی حکومتی بودن زکات را یادآور می‌شود و علت نپرداختن زکات به حاکمان در برخی از زمان‌ها را ظالمانه بودن حکومت‌ها دانسته است. بنابراین، به نظر ایشان اگر حکومتی صالح و عادل بود باید زکات را به او پرداخت (قاضی نعمان، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۲۵۷). شیخ مفید بر این باور است که زکات مال و فطره در زمان حضور، در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان غیبت، در اختیار فقیه جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد (مفید، ۱۳۷۴ق، ص ۲۵۲). برخی فقهای دیگر نیز چنین نظریه‌ای ارائه کرده‌اند. فقهای مذکور برای پرداخت زکات به امام علیه السلام، در زمان حضور، و یا به فقیه و حاکم اسلامی در دوره غیبت، دلایلی بیان کرده‌اند که عبارت است از: آیات قرآن، روایات، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و

امیرالمؤمنین علیؑ و نیز سیره مسلمانان در پرداخت زکات و بهره‌گیری از فلسفه وضع زکات مبنی بر فقرزدایی که ضمانت عملی آن را تنها در حکومت اسلامی می‌توان جست‌وجو کرد.

در بین مراجع معاصر، امام خمینیؑ معتقد است: امام مال زکات را در راه تعیین شده هزینه می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۵).

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است: در زمانی که حاکم مبسوط الید حضور دارد، احتیاط واجب آن است که زکات به او پرداخت شود (مکارم شیرازی، توضیح المسائل).

آیت‌الله خامنه‌ای هر چند در کتاب *اجوبه الاستفتائات* این بحث را مطرح نکرده، ولی زکات را شأن حاکم اسلامی می‌داند. مهم‌ترین دلیل ایشان هم آیه شریفه «خذ من اموالهم صدقه» است (به نقل از: اسماعیل پور، ۱۳۸۹).

آیت‌الله موسوی اردبیلی معتقد است: در صورت درخواست حاکم جامع‌الشرایط، پرداخت زکات به او واجب است و در غیر این صورت، ایشان قایل به جواز پرداخت زکات توسط مالک است (موسوی اردبیلی، مسئله ۲۰۴۴).

علامه جعفری نیز به‌عنوان یکی از محققان معاصر معتقد است: زکات شأن حاکم اسلامی است و باید به او داده شود. حاکم اسلامی می‌تواند دامنه متعلقات زکات را نیز گسترش دهد (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۷۸). در مقابل، آیت‌الله خوئی (رساله، مسئله ۱۸۵۵)، آیت‌الله اراکی (رساله، مسئله ۱۹۲۵)، آیت‌الله گلپایگانی (رساله مسئله ۱۹۲۵)، آیت‌الله فاضل لنکرانی (استفتائات)، آیت‌الله تبریزی (رساله، مسئله ۱۹۳۳)، آیت‌الله سیستانی (رساله، مسائل ۱۹۶۹-۱۹۹۸)، آیت‌الله بهجت (رساله، مسئله ۱۹۲۵)، آیت‌الله وحید خراسانی (رساله، مسئله ۱۹۴۲)، آیت‌الله صافی (رساله، مسئله ۱۹۳۳) و آیت‌الله نوری همدانی (رساله، مسئله ۱۹۲۱) معتقدند مالک می‌تواند خودش به پرداخت زکات اقدام کند.

هر چند بحث مزبور محل اختلاف علماست، اما با توجه به اینکه در حال حاضر حکومت اسلامی شکل گرفته و امکان درخواست ولی فقیه مبنی بر پرداخت زکات به حکومت وجود دارد، بدین‌روی، عمده تحلیل موردنظر در بخش بعدی محل بحث قرار گرفته است.

پرداخت زکات در صورت مطالبه امام یا حاکم جامعه اسلامی

همان‌گونه که اشاره شد، در پرداخت زکات به امامؑ پیش از مطالبه ایشان، اختلاف است، ولی بیشتر فقها بر این باورند که اگر امامؑ نایب خاص یا نایب عام (فقیه) دستور دهد که مال زکات را به وی بپردازند، واجب است دستور ایشان اطاعت و زکات به او پرداخت گردد. محقق حلی در کتاب *شرائع*

الاسلام می‌نویسد: اگر امام زکات را درخواست کند، واجب است به او پرداخت شود (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۴).

صاحب *جواهر الکلام* پس از نقل عبارت محقق حلی می‌نویسد: اختلافی در مسئله نیست؛ زیرا پیروی از امام واجب و مخالفت او حرام است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۴۲۱).

شیخ مفید (مفید، ۱۳۷۴ ق، ص ۲۵۲)، ابو‌الصلاح حلبی (حلبی، ۱۳۸۷)، ابن برّاج (ابن برّاج، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۵) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۸) هنگام درخواست امامؑ یا فقیه در دوره غیبت، پرداخت زکات به آنان را لازم دانسته‌اند.

شیخ انصاری نیز می‌نویسد: اگر پیامبرؐ یا امام زکات را از مردم بخواهند بر مردم واجب است به آنان بپردازند. اگر فقیه از مردم بخواهد که زکات را به او بدهند، مفاد و مقتضای دلیل‌های نیابت عمومی فقیه، وجوب پرداخت را می‌رساند؛ زیرا خودداری از این امر، به معنای ردّ بر فقیه، و ردّ بر فقیه به‌منزله ردّ قول خداست. دلیل این مطلب در مقبوله عمر بن حنظله و در توفیق شریف امامؑ آمده است. ایشان فرموده‌اند: باید در حوادث واقعه، به روایان حدیث مراجعه کرد؛ زیرا آنان حجّت من بر شمایند، و من حجّت خدایم (انصاری ۱۴۱۵ ق، ص ۳۵۶).

امام خمینیؑ می‌نویسد: بهتر است که زکات را در عصر غیبت به فقیه بدهند، به‌ویژه اگر بطلبد؛ زیرا او به جایگاه و محل صرف آن آگاه‌تر است. و اگر فقیه حاکم بنا بر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات را به او بپردازند، پیروی از وی واجب است، هر چند از او تقلید نکنند (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۴۳).

نقش حکومت در قبال خمس

به‌طورکلی، در زمینه خمس و نحوه مصرف یا بازتوزیع آن دو نظریه وجود دارد که در این بخش، آنها را بررسی خواهیم کرد. از آن‌روکه این تحقیق گنجایش بحث استدلالی در این حوزه را ندارد و تحقیقات کاملی در حوزه استدلال وجود دارد، صرفاً نگاه‌های موجود در این زمینه نقل می‌شود.

فقه‌های شیعه و مسئله خمس

به‌طورکلی، در باب خمس و شیوه تقسیم آن، فقه‌های شیعه بر دو نظر هستند: بر اساس نظریه اول، خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود که سه بخش آن حق و یا ملک امام معصوم است و سه سهم دیگر آن حق یا ملک ایتم و مساکین و درراه‌ماندگان از سادات است.

خمس در دوره غیبت

بررسی حکم خمس در دوره غیبت را می‌توان در دو حالت وجود و عدم وجود حکومت اسلامی بررسی کرد.

الف. حکم خمس در نبود حکومت اسلامی

یادآور شدیم که خمس از آن مقام امامت و بودجه حکومت اسلامی است. براین اساس، ممکن است برخی بیندارند در زمانی که حکومتی و حاکم مبسوط‌الیدی وجود ندارد، پرداخت خمس لازم نیست. ولی این دیدگاه برخلاف اطلاق دلیل‌های خمس از کتاب و سنت و برخلاف سیره و روش ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۹). معصومین علیهم‌السلام با اینکه حق آنان به دست حاکمان ستم‌پیشه غضب شده بود و بیشتر در تقیه به سر می‌بردند، خمس را مطالبه می‌کردند و برای جمع‌آوری آن نماینده می‌گماردند (حرّعاملی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۷۶، ۳۴۸ و ۳۵۳)، با اینکه گماردن نماینده ممکن بود، مشکلاتی بیافریند. لازمه این امر آن است که فقها در دوره غیبت، نیز همانند ائمه اطهار علیهم‌السلام دریافت خمس و هزینه کردن آن اقدام نمایند.

ب. حکم خمس با وجود حکومت اسلامی

از آنچه آوردیم، روشن شد که خمس حق‌الاماره و از آن منصب امامت است. در دوره غیبت، هر فقیه جامع‌الشرایطی که در رأس حکومت قرار گیرد، به صورت طبیعی خمس در اختیارش قرار دارد. در این فرض، جایی برای آرا، گوناگون دیگری که در کتاب‌های فقهی درباره خمس در دوره غیبت آمده باقی نیست؛ زیرا در فرض نبود حکومت و اینکه خمس ملک شخصی امام و گروه‌های سه‌گانه سادات است، آن نظرها جایی دارند.

براساس ادله ولایت فقیه، همه اختیارات حکومتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در عصر غیبت، به فقیه واگذار شده است. بنابراین، همان‌گونه که این بودجه در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در اختیار آنان قرار داشت، در زمان غیبت نیز باید در اختیار ولی فقیه قرار گیرد؛ زیرا اختیاردار خمس در دوره حضور، امام علیه‌السلام است. اما در عصر غیبت، باید حاکم اسلامی سرپرست آن گردد؛ زیرا او حجت از سوی امام علیه‌السلام است. پس باید همه خمس به او داده شود تا هزینه کند. امام خمینی علیه‌السلام پس از اشاره به ولایت فقیه و اختیارات گسترده او می‌فرماید:

وعلی ذلك يكون الفقيه في عصر الغيبة ولياً للامر و لجميع ما كان الامام عليه السلام ولياً له و منه الخمس، من غير فرق بين سهم الامام و سهم السادة، بل له الولاية على الانفصال و الفئ (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۶).

بر اساس نظریه دوم، خمس حق امامت و بودجه حکومت اسلامی است؛ یعنی تمامی خمس در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گیرد و حاکم جامعه اسلامی در هر جا مصلحت بداند مصرف می‌کند.

دیدگاه نخست به مشهور فقهای شیعه نسبت داده شده است؟

شیخ مفید در *المقنعه* (۱۳۷۴ق، ص ۲۷۶)؛ شیخ طوسی در *المبسوط* (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۲)؛ سید مرتضی در *رسائل* (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۶)؛ ابن‌براج در *المهذب* (بی‌تا، ج ۱: صص ۱۷۱ و ۱۷۵)، ابن‌زهره در *الغنیه* (۱۳۹۰، ص ۵۰۷)؛ ابن‌ادریس در *السرائر* (بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۲)؛ محقق حلّی در *شرائع الاسلام* (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۲) و شیخ محمدحسن نجفی در *جواهر الکلام*، (۱۳۶۲، ج ۱۶، ص ۱۸۱) نیز چنین نظری را مطرح نموده‌اند. بیشتر این فقها به آیات قرآن، روایات و اجماع به‌عنوان دلیل بر صحت کلامشان اشاره کرده‌اند.

در مقابل چنین دیدگاهی و با وجود ادعای اجماع، فقهای بسیاری دلایل مذکور را نارسا دانسته‌اند و نظر دیگری در این زمینه مطرح کرده‌اند. فقهایی که قایل به نظریه دوم هستند و نظریه اول را رد می‌کنند از آیات و روایات به‌عنوان دلیل بر اثبات مدعایشان استفاده می‌کنند. دیدگاه دوم خمس را متشکل از دو جزء نمی‌داند که نیمی از آن امام علیه‌السلام و نیمی دیگر از آن سادات باشد، بلکه آن را حقی می‌دانند یگانه و تمامی از آن منصب امامت؛ زیرا حکومت از آن خداوند و همه خمس از اوست. خداوند این حق را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اعتبار جانشین و خلیفه خود در زمین، تفویض کرده است. پس از آن حضرت، ذی‌القربی (امامان) به اعتبار جانشینی آنان از مقام رسالت، این حق را در اختیار می‌گیرند، و در دوران غیبت، این حق، در اختیار ولی فقیه، نایب عام امام علیه‌السلام قرار می‌گیرد تا بر اساس مصالح اسلام و مسلمانان آن را هزینه کند.

امام خمینی علیه‌السلام پس از جمع‌بندی دلایل می‌نویسد: هرکس در معنای آیه و روایات، دقت و اندیشه کند، درمی‌یابد که همه سهم‌های خمس از بیت‌المال است و حاکم حق تصرف در آن را دارد، و از نظر حاکم، که مصلحت مسلمانان را در نظر دارد، گریزی نیست. حاکم باید از سهم سادات، زندگی سه گروه یادشده را برحسب تشخیص خود برآورد (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۵).

حضرت امام در این گفتار، بر دو نکته، اشاره دارد: الف. خمس حق حاکم و در اختیار حکومت اسلامی است؛

ب. این حکم درباره همه خمس جریان دارد، نه نیمی از آن که سهم امام باشد، متها، حاکم باید نیازهای گروه‌های سه‌گانه را برآورد.

پیش از امام خمینی علیه‌السلام بسیاری از فقها از جمله شیخ انصاری و صاحب *جواهر الکلام* چنین نظری را ابراز داشته‌اند، ولی فتوای قاطع بدان نداده‌اند.

منابع مالی، عهده‌دار تأمین هزینه‌های عمومی دولت و غیر آن هستند. زکات واجب بر موارد نه‌گانه وضع می‌شود. گرچه در دوران گذشته حجم بالای درآمدهای دام‌پروری و کشاورزی و رواج سکه‌های فلزی موجب زیادی زکات می‌شد و امروزه مقدار زکات به شدت کاهش یافته است، اما به با توجه به نصوص متعدد در حصر مواد زکات به ثَمَّ مال نمی‌توان مواد زکات را گسترش داد. بر اساس این نظریه، در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به‌صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

نظر دوم استفاده از اختیارات حاکم اسلامی در تغییر ارقام مستحب به واجب است. با توجه به ارقام متعدد زکات مستحب مانند مال‌التجاره و فواید کسب محصولات کشاورزی غیر از غلات چهارگانه و به سبب کاهش شدید مقدار زکات واجب در دوران کنونی و گستردگی مصارف آن، هرگاه حاکم اسلامی لازم بداند، می‌تواند در دایره ارقام مستحب زکات، آن را واجب کند تا هزینه‌های دولتی تأمین شود. امیرمؤمنان علیه السلام در وضع زکات بر اسب از ولایت شرعی استفاده نمود و زکات ارقام مستحب را واجب کرد. (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۱).

می‌توان احادیث متعدد زکات را، که بر حصر ارقام زکات دلالت دارد، با احادیثی که بر توان زکات نسبت به تأمین نیازمندان دلالت دارد و احادیثی که بر ثبوت زکات در غیر ارقام نه‌گانه دلالت دارد، را به‌گونه‌ای دیگر جمع کرد. با توجه به تغییر شرایط زندگی و نوع درآمدهای مردم و جاودانگی احکام دین، اصل وجوب زکات در تمامی دوران‌ها واجب الهی است، ولی ارقام متعلق زکات برحسب تغییر شرایط تغییر می‌یابد و حاکم اسلامی باید آنها را معین کند. چنان‌که در قرآن، فقط وجوب زکات آمده، اما ارقام زکات در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین شده است. در زمان ایشان، چون عمده ثروت و درآمدهای مردم از کشاورزی و دام‌داری و تجارت بود، زکات بر این ارقام تعلق گرفت و اکنون که وضعیت تغییر کرده و ثروت در بخش خدمات و صنعت رشد فراوان یافته است، تعیین ارقام زکات بر عهده دولت اسلامی و حکام عادل است. (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶-۳۱).

چنانچه این رأی پذیرفته شود، زکات به تمام اقلامی که دولت مالیات بر آنها را لازم بداند و در جهت تعدیل ثروت و تأمین نیازهای جامعه قابلیت داشته باشد، تعلق می‌گیرد و زکات توانایی کامل در جانشینی با مالیات‌های مرسوم را دارد و مالیات‌های حکومتی، که بر اساسی صحیح و عادلانه وضع می‌شود، پرداخت آن عبادت و مشروع، بلکه از واجبات بزرگ است. این نظریه می‌تواند مشکل امور مالی حکومتی را برطرف سازد و میان پرداخت زکات و مالیات هماهنگی ایجاد کند. بر این اساس تمام افراد جامعه موظف به پرداخت مالیات‌های متعدد خواهند بود؛ پس انداز سالیانه متعلق خمس است؛ و

بر اساس دلیل‌هایی که ذکر شد، فقیه در دوره غیبت، در همان قلمروی که امام علیه السلام ولایت داشت، ولایت دارد. ولایت او شامل خمس، انفال و فیه می‌شود.

با درنگ در این گفتار، درمی‌یابیم اکنون که ولی فقیه در رأس حکومت اسلامی قرار دارد، همه وظایف و کارهای حکومتی که بر عهده امامان علیهم السلام بود، بر عهده اوست.

مشروعیت وضع مالیات

هدف از پرداختن به مشروعیت وضع مالیات، تعیین جایگاه مالیات در هندسه منابع مالی اسلام است. بر طبق منابع تاریخی، مهم‌ترین درآمدهای بیت‌المال زکات، خمس، جزیه، خراج و انفال است. با توجه به گستردگی درآمدهای حاصل از کشاورزی و دام‌پروری، وجود غنایم جنگی فراوان، وجود اهل ذمه و اجاره زمین‌های فتح‌شده کشاورزی و نسبت بالای سهم بخش دولتی، بیت‌المال در آن زمان توانایی تأمین انواع هزینه‌ها را داشت. حجم این درآمدها در برخی سال‌ها گاه به حدی می‌رسید که دولت توان هزینه کردن آن را نداشت، و گاه به علت هزینه‌های اضافی، نیاز به وضع مالیات جدید پیدا می‌شد (ر.ک. رضایی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۸۳، قحف، ۱۴۲۲، ص ۲۷۱-۳۰۳). کمبود درآمد در زمان پیامبر، گاه موجب استقراض می‌شد. البته این مبلغ غالباً در همان سال از درآمدهای غنایم یا زکات تأمین بازپرداخت باز پرداخت می‌شد (قحف، ۱۴۲۲، ص ۲۸۸-۲۸۹).

در مجموع، برحسب داده‌های تاریخی، می‌توان ادعا کرد غیر از خمس، زکات، غنایم، فیه، انفال، جزیه و خراج، درآمدهای مالیاتی عمده‌ای وجود نداشت و موارد مشابه زکات اسب در زمان امیرمؤمنان علیه السلام که به قراین گوناگون از نوع مالیات حکومتی است (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۸۸)، بسیار محدود بوده و سیاست استفاده از فروش انفال نیز چندان قابل توجه نبوده است. البته در نمونه‌های محدودی از اقطاعات پیامبر صلی الله علیه و آله و واگذاری انفال سخن به میان آمده که جنبه درآمدزایی برای دولت نداشته و غالباً جنبه توزیع درآمدی داشته است (ابوعبید، ۱۴۰۶، ص ۲۸۶-۲۹۷).

حال سؤال اصلی در این بخش آن است که در شرایط کنونی و با توجه به وابستگی کشور به درآمدهای حاصل از نفت و لزوم برنامه‌ریزی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، آیا وضع مالیات مشروع است یا اساساً باید به منابع مالی اسلامی تکیه کرد؟

رضایی (۱۳۸۲) به استناد نظر فقها و پس از شرح و بررسی زیاد، دلایلی را ارائه می‌کند که بر اساس آنها می‌توان مشروعیت مالیات را اثبات کرد. برخی از این دلایل به قرار ذیل است:

طبق نظریه مشهور، تنها مالیات موظف شرعی مسلمانان زکات و خمس است. این دو در کنار دیگر

است. شاید تاکنون از این منظر بین مصارف مالیات و زکات نوعی تطابق عملی وجود داشته است. مگر می‌توان مفهوم «فی سبیل الله» را در یک یا چند موضوع خاص محدود و منحصر دانست و موضوعات بی‌شمار ممکن و موجود را از آن مستثنا ساخت؟ با وجود این، آیا نمی‌توان ایجاد راه، فرودگاه، خرید هواپیما، احداث سد، برق‌رسانی، تأسیس مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، آزمایشگاه و ادارهٔ دستگاه اجرایی دولت و حکومت اسلامی را که ابعاد گوناگون دارد و در عین حال، بسیار وسیع و گسترده است، از طریق این درآمدها انجام داد؟

مالیات‌های رایج به‌عنوان یک قانون اقتصادی - اجتماعی در تمام کشورهای دنیا با ابعاد و اجزای آن وضع و لازم‌الاجراء گردیده است و تخلف از آن مجازات‌های مقرر در پی دارد و نیز در کمتر زمان و مکانی می‌توان یک اقتصاد بدون مالیات یافت، قانون زکات نیز در شرع مقدس اسلام به‌عنوان یک قانون اقتصادی و اجتماعی لازم‌الاجراء است و تخلف از آن، هم موجب عذاب اخروی و هم مواجهه با مجازات در حکومت اسلامی خواهد شد. بنابراین، از این حیث نمی‌توان گفت زکات از اموری است که حاکم اسلامی امکان تجهیز منابع مالی و تأمین پشتوانهٔ اقتصادی خود را بدون آن خواهد داشت و هیچ‌گونه تضمینی برای دریافت زکات وجود ندارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک منبع درآمدی قدرتمند به‌شمار آورد.

بررسی امکان جایگزین شدن مالیات و کنار گذاشتن زکات و خمس

با توجه به شباهت‌هایی که در قسمت قبل دربارهٔ زکات و مالیات مطرح گردید، این سؤال پیش می‌آید که آیا اساساً امکان جایگزین کردن مالیات به جای خمس و زکات وجود دارد؟ همان‌گونه که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، زکات و خمس از واجبات شیعه محسوب می‌شوند و امکان کنار گذاشتن آنها از جامعهٔ مسلمانان وجود ندارد. اما مالیات یک امر ثانوی و بر اساس اضطرار جامعه وضع می‌شود. بدین‌روی، ممکن است جامعهٔ اسلامی در شرایطی قرار بگیرد که نیاز به وضع مالیات نداشته باشد. از سوی دیگر، هرچند ممکن است مالیات از حیث ترتب آثار مادی اقتصادی از جانب پرداخت‌کنندگان یا منابع مصرف آن مشابه و منطبق بر زکات باشد، اما آنچه جوامع امروز از مالیات تلقی می‌کنند، منعکس‌کنندهٔ این معناست که مالیات به‌سبب مشروعیت نداشتن و احساس تحمیلی بودن آن نمی‌تواند آثار معنوی و نفسانی مثبت حاصل از زکات - از قبیل شکران نعمت، قصد قربة الی‌الله و مبارزه با بخل نفسانی و حب مال - را داشته باشد، بلکه بالعکس چون مردم آن را نوعی فشار و تحمیل می‌دانند، از آن فرار می‌کنند. اما باید توجه داشت که زکات علاوه بر اینکه می‌تواند آثار اقتصادی مالیات را داشته باشد، یک دستگاه انسان‌سازی و معنویت‌پرور نیز هست. زکات علاوه بر اینکه بسان مالیات

درآمد آنها مشمول زکات و مالیات است. این نظریه در مرحلهٔ اثبات، دچار اشکال است و فتاوا بر آن استقرار نیافته است.

راه دیگر برای اثبات مشروعیت مالیات‌های حکومتی استفاده از مبنای ولایت فقیه است. ولی فقیه می‌تواند برای تأمین مصالح جامعه اقدام به وضع و دریافت مالیات نماید. امام خمینی^ع بارها از اختیارات ولی فقیه در تحقق امور لازم جامعه استفاده کرد و برای رفع ضرورت و حل مشکل مردم و رعایت مصالح عمومی اقدامات متعددی انجام داد(مؤمن، ۱۳۸۰).

از مجموع مطالبی که تا کنون بیان گردید، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که عمده منابع مالی اسلامی را خمس و زکات تشکیل می‌دهند و مالیات‌های متعارف به صورت ثانوی و در حکم اضطرار و یا بر اساس حکم حکومتی قابل وضع هستند. به همین سبب، در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، آنچه باید مدنظر قرار گیرد، اصل بودن خمس و زکات است و اینکه اگر قرار است مالیات به‌عنوان ضرورت یا حکم حاکمیتی بر مردم وضع شود، باید خود را با نظام خمس و زکات تطبیق دهد.

زکات، خمس و مالیات: امکان جانشینی یا مکمل بودن

یکی از سؤالاتی که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های اسلامی مطرح است. تعیین نسبت زکات، خمس و مالیات است. به عبارت دیگر، با این سؤال مواجهیم که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی، جایگاه هریک از منابع مذکور منظور کجاست؟ آیا با قانونی کردن زکات و خمس می‌توان جایگاهی برای مالیات متصور شد؟ به عبارت دیگر، آیا در طراحی الگوی جدید، نیازی به وضع مالیات هست؟ در صورت نیاز به مالیات، با چه نگاهی باید اقدام به وضع مالیات کرد؟

وجوه اشتراک بین مالیات و زکات

در وضع و تنظیم قانون مالیات، معمولاً دولت‌ها به دنبال تأمین منابع لازم جهت پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. حاکم اسلامی نیز از محل درآمدهای حاصل از زکات و خمس اهدافی همچون رفع فقر و کمک به نیازمندان و نیز تأمین منافع و مصالح عموم مسلمانان را مدنظر دارد. قید «فی سبیل الله» در آیهٔ زکات (سوره توبه، آیه ۶۰) و اختیار حاکم بر شیوهٔ مصرف درآمدهای خمس بر همین موضوع دلالت دارد. به نظر می‌رسد که هزینه کردن مالیات در اموری که به‌عنوان مصارف زکات شمرده شده است (مثل فقرا، نیازمندان، کارگزاران زکات و در راه‌ماندگان) مجاز

تقدم زکات بر مالیات

سؤالی که در این قسمت بدان پاسخ داده می‌شود این است که آیا نظام مالیاتی باید خود را منطبق بر نظام زکات کند یا اینکه نظام زکات باید خود را بر نظام مالیاتی منطبق سازد؟

برخی از محققان اقتصاد اسلامی و مسئولان نظام مالیاتی با تمسک به فتوای برخی از فقها مبنی بر اینکه «اگر در یک روز، هم باید خمس پرداخت شود و هم مالیات، اول مالیات را پرداخت کنید و بعداً خمس را حساب نمایید»، این گونه استدلال کرده‌اند که مالیات بر زکات و خمس مقدم است. آنان نتیجه گرفته‌اند که زکات باید خود را با نظام مالیاتی سازگار سازد.

طبق حکم صریح مقام معظم رهبری، مالیات حق جامعه است و باید حتماً پرداخت شود. مطابق فتوای ایشان که در حال حاضر بر اساس آن عمل می‌شود، پرداخت مالیات مقدم بر وجوه شرعی است. با این وجود، در اصلاحیه «قانون مالیات مستقیم» جمله‌ای گنجانده شده با این وجود در اصلاحیه «قانون مالیات مستقیم»، جمله‌ای گنجانده شده که این شبهه را ایجاد می‌کند که پرداخت خمس کفایت از مالیات نمی‌کند، بلکه باید اول مالیات و سپس خمس پرداخت شود. این در حالی است که مالیات به عنوان یک حق عمومی جامعه مقدم بر وجوه شرعی است؛ زیرا یک حق عمومی است که باید پرداخت شود (عسکری، ۱۳۹۱).

بدون شک مالیات بخشی از مئونه سالانه افراد محسوب می‌شود. از این رو، افراد هنگام محاسبه خمس، مالیات را جزو مخارج سالانه خویش حساب نموده و سپس اقدام به پرداخت خمس می‌کنند. اما این بدان معنا نیست که اگر کسی خمس پرداخت کرد، نظام مالیاتی باید نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و خمس زکات باید خود را با نظام مالیاتی تطبیق دهند. به عبارت دیگر، تقدم زمانی پرداخت مالیات بر زکات آن هم در یک روز خاص، هیچ دلالتی بر این ندارد که زکات باید خود را با مالیات تطبیق دهد، بلکه همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد - طبق نظریه مشهور، تنها مالیات موظف شرعی مسلمانان زکات و خمس است. این دو در کنار دیگر منابع مالی، عهده‌دار تأمین هزینه‌های عمومی دولت و غیر آن هستند. بر اساس این نظریه، در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹). بدین‌رو، اصل بر زکات و خمس است و اگر قرار است برای کمبود درآمدها مالیات نیز وضع شود، لازم است نظام مالیاتی به حکم ثانوی بودن، خود را بر نظام مالیاتی منطبق سازد. از این نظر، نظام مالیاتی باید دریافت‌های خود را با در نظر گرفتن خمس و زکات پرداخته شده، سامان دهد.

جنبه اقتصادی مشابه دارد، یک عبادت است و یک رکن دین به‌شمار می‌آید و آثار تکوینی فراوانی بر آن مترتب است. ولی مالیات هرگز نتوانسته است چنین جایگاه مقدس و محترمی داشته باشد.

بررسی امکان جایگزین شدن زکات و خمس و کنار گذاشتن مالیات در شرایط کنونی ایران

در قسمت قبل نشان دادیم که امکان جایگزین شدن مالیات به جای خمس و زکات وجود ندارد. حال با توجه به مطالبی که تاکنون مطرح گردید، آیا عکس چنین قضیه‌ای امکان‌پذیر است؟ با توجه به مقتضیات این مقاله، پاسخ این سؤال را بر اساس منابع فقهی و شرایط اقتصاد ایران بررسی خواهیم کرد. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی نیز اشاره شد، اصل پرداخت وجوهات شرعی که بر افراد واجب است، عبارتند از: خمس و زکات، و چیز دیگری بر مسلمانان واجب نیست. حال اگر درآمدهای حاصل از زکات و خمس به قدری باشد که نفقات و مخارج دولت را تأمین کند، طبیعتاً نیازی به وضع مالیات‌های جدید نیست. اما اگر درآمدهای حاصل از خمس و زکات به قدری نباشد که برای تأمین نیازهای دولت کفایت کند، طبیعتاً به میزان وسیع‌تری از این مالیات‌ها نیاز است و این شرایط اقتضا می‌کند که منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع گردد.

در جدول شماره ۱: ظرفیت بالقوه خمس و زکات کشور در بهترین شرایط و در حالتی که همه مردم اقدام به پرداخت آن نمایند، محاسبه شده است.

جدول ۱: ظرفیت بالقوه خمس در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ و مقایسه آن با بودجه کل کشور (ارقام به میلیارد ریال)

سال	خمس ارباب مکاسب	خمس معادن (بدون نفت و گاز)	جمع زکات بالقوه بدون فطره	زکات فطره	ظرفیت بالقوه منابع مالی اسلامی	بودجه کل کشور
۱۳۸۲	۵۷۲/۵۸	۵۴/۱۱	۷۴۵	۲۵۷	۷۲۸/۶۰	۲۶۱/۹۶۸
۱۳۸۳	۵۵۵/۸۳	۹۳۰/۱	۸۶۱	۲۹۶	۶۴۲/۸۶	۵۰۶/۱۸۴/۱
۱۳۸۴	۱۷۲/۱۰۹	۷۰۰/۲	۰۰۴/۱	۳۲۹	۲۰۵/۱۱۳	۹۸۹/۵۸۹/۱
۱۳۸۵	۵۵/۱۰۶۴	۳۳۳/۳	۲۲۷/۱	۴۴۹	۴۶۴/۱۱۱	۹۱۵۱۰/۵/۱
۱۳۸۶	۳۹۵/۱۵۷	۴۴۲/۴	۵۲۱/۱	۵۴۷	۹۰۵/۱۶۳	۸۵۶/۳۱۶/۲
۱۳۸۷	۰۴۱/۱۸۲	۵۵۰/۵	۷۵۶/۱	۷۴۰	۰۸۷/۱۹۰	۸۴۵/۹۳۸/۲
۱۳۸۸	۸۰۵/۱۶۳	۳۳۲/۵	۱۵۴/۲	۹۳۹	۲۳۰/۱۷۲	۲۸۸/۹۱۸/۲
۱۳۸۹	۵۳۲/۲۵۱	۷۴۷/۷	۵۱۹/۲	۹۵۲	۷۵۰/۲۶۲	۷۰۳/۶۸۴/۳
۱۳۹۰	۰۳۰/۳۸۵	۵۶۵/۹	۳۱۰/۲	۲۷۰/۱	۱۷۵/۳۹۸	۹۳۸/۰۸۳/۵
۱۳۹۱	۵۵۲/۳۵۹	۷۸۰/۱۵	۵۶۰/۳	۶۳۰/۱	۵۲۲/۳۸۰	۶۱۸/۶۶۵/۵

منبع: کاشیان، ۱۳۸۹ (به‌روزرسانی محاسبات)

مقایسه این ارقام با بودجه کشور حاکی از آن است که در بهترین شرایط منابع حاصل از خمس و زکات به‌تنهایی توانایی تأمین بودجه دولت را ندارند.

منابع

- ابن ادریس، محمدبن احمد، بی تا، *السرائر*، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم، ایران.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، ۱۴۲۷ق، *المهذب*، نشر دانش حوزه، قم، ایران.
- ، بی تا، *جامعه مدرسین حوزه علمیه قم*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن زهره، حمزه بن علی، ۱۳۹۰، *غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، ۱۴۱۵، *سیره ابن هشام (السیره النبویة)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابو الصلاح حلبی، تقی بن نجم، ۱۳۸۷، *الکافی فی الفقه*، محقق رضا استادی، قم، بوستان کتاب.
- ابوعبید، القاسم بن سلام، ۱۴۰۶ ق، *کتاب الاموال*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- اسماعیل پور دره، مهدی، ۱۳۸۹، «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، *پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق*، تهران.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵ق، *کتاب الخمس*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، انتشارات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه، نظام مالی اسلام*، (مجموعه مقالات) به اهتمام احمد علی یوسفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۸۷ ق، *وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ق، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، امیر.
- ، بی تا، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سیدالشهدا.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۵، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رضایی، مجید، ۱۳۸۲، «مالیات‌های حکومتی؛ مشروعیت یا عدم مشروعیت؟»، *نامه مفید*، ش ۳۵.
- رضایی، محمداقاسم، سبزو، محبوبه، ۱۳۹۱، «ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد»، *پژوهشنامه مالیات*، ج ۲۰، ش ۱۵ ص ۱۲۵-۱۵۲.
- سیدمرتضی، علم الهدی، ۱۴۱۰ق، *رسائل المرتضی*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، دارالقرآن.
- شعبانی، احمد، کاشیان، عبدالمحمد، ۱۳۹۳، *بررسی اثرات خمس و زکات بر رفح فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی، ۱۳۷۶/۱۷۱۴ق، *تهذیب الاحکام (فی شرح المقنعة)*، کتاب الزکاة، تحقیق

این استدلال که مالیات حق عمومی جامعه است، به معنای آن نیست که خمس و زکات چنین نیستند. خمس و زکات نیز بخشی از حق عمومی جامعه است که در اختیار حاکم جامعه اسلامی قرار می‌گیرد. براین اساس، زکات و خمس اصل منابع مالی اسلامی هستند و مالیات می‌تواند در صورت کمبود درآمدها، به صورت ثانوی مکمل درآمدهای مالیاتی باشد.

نتیجه‌گیری

طراحی الگویی برای یکپارچه‌سازی و یا ایجاد ارتباط بین نظام مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران، به منظور اجتناب از پرداخت‌های موازی و نیز ایجاد معافیت‌های مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان خمس و زکات موضوعی است که نظر پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی را به خود جلب کرده است.

اولین مسئله‌ای که در مواجهه با این تجدید یا طراحی ساختار با آن مواجه‌ایم شد این است که آیا مالیات‌های اسلامی از جمله خمس و زکات باید به عنوان جانشینی برای درآمدهای مالیاتی محسوب شوند و یا از این دو می‌توان به عنوان مکمل یکدیگر در یک نظام واحد استفاده کرد و نهایت اینکه اگر بتوانند مکمل یکدیگر شوند، کدام یک باید به عنوان درآمدهای اصلی دولت محسوب شود و کدام یک به عنوان درآمدهای مکمل؟

بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصل اولیه در نظام مالیاتی اسلامی این است که مسلمانان تنها موظف به پرداخت خمس و زکات به عنوان وجوهات شرعی می‌باشند.

حال اگر وجوه حاصل از خمس و زکات برای تأمین هزینه‌های دولت کفایت کند، نیازی به وضع مالیات‌های جدید نیست. اما اگر درآمدهای حاصل از خمس و زکات به قدری نباشد که برای تأمین نیازهای دولت کفایت کند، طبیعتاً به وضع این مالیات‌ها نیاز است. این شرایط اقتضا می‌کند که منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع گردد. مقایسه آمار ایران نیز نشان می‌دهد که صرف خمس و زکات در زمان حاضر برای نیازهای کشور کافی نیست. با این وجود، ثانوی بودن مالیات‌های حکومتی مستلزم آن است که نظام مالیاتی به هنگام محاسبه مالیات افراد به میزان پرداخت خمس و زکات توسط آنها نیز توجه نماید.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911101000249#sthash.eRijq0EK.dpuf>
 Abdul Jalil, Ahmad Zafarullah, 2011, "Land-Based Tax Capacity and Tax Effort of the state governments in peninsular Malaysia: A representative revenue system (RRS) approach", N.2, p.206-219.
 Abdul Rahman And Abd. Wahab Norazlina, 2012, "Efficiency Of Zakat Institutions And Determinants", *Journal Of Economic Cooperation And Development*, 33,1, p.95-112.
 Le, Tuan Minh, Blanca Moreno-Dodson and Jeep Rojchaichanthorn, 2008, "Expanding Taxable Capacity and Reaching Revenue Potential: Cross-Country Analysis", The World Bank, Poverty Reduction and Economic Management Network", Policy research working paper 4559, p. 1-36.
 Le, Tuan Minh, Blanca Moreno-Dodson, Nihal Bayraktar, 2012, "Tax Capacity and Tax Effort: Extended Cross-Country Analysis from 1994 to 2009", Policy research working paper: p. 1-48.
 Z Sareshwala, 2008, *The Institution Of Zakah And Its Economic Impact On Society*, Retrived August.

الاستاد علی‌اکبر الغفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
 —، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۲م، *الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، كتاب الزكاة، التحقيق العلامة الشيخ محمدجواد الفقيه، ط. الثانية، بیروت، دارالأضواء.*
 طوسی، محمدبن، ۱۳۶۳، *المبسوط فی فقه الامامیه، طهران، المکتب المرتضویه.*
 العاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ ق، *الروضه البهیة (شرح اللمعة الدمشقیة)*، قم، انتشارات داوری.
 فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ ق، *الوائی، اصفهان، نشر مکتبه الامام امیرالمؤمنین* ❖.
 قحف، منذر، ۱۴۲۲ ق، *ايرادات المیزانية العامة للدولة الإسلامية، «السیاسة الاقتصادية فی إطار النظام الاسلامی» ط. الثانية، جده، البنك الاسلامی للتنمية.*
 کاشیان، عبدالمحمد، ۱۳۸۹، «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران»، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق* ❖.
 —، ۱۳۹۴، «طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران»، *رساله دکتری، دانشگاه امام صادق* ❖.
 کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب ۱۴۰۷ ق، *الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.*
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.*
 محقق کرکی، علی بن عبد العالی، ۱۳۷۴، *فهارس جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، موسسه آل‌البتیت ❖ لاجیاء التراث.
 مفید، محمدبن محمد نعمان، ۱۳۷۴ ق، *المقنعه*، قم، انتشارات اسلامی.
 مقدس اردبیلی، احمد، ۱۳۸۴، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، انتشارات اسلامی.
 منتظری، حسین علی، ۱۴۰۴ ق، *كتاب الزكاة، قم، مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی.*
 موحدی بکنظر، مهدی و محمد جواد رضائی، ۱۳۹۱، «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی: دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه»، *پژوهشنامه مالیات*، ش ۶۳، ص ۱۵۳-۱۷۳.
 موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۷، *حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، ج نهم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی* ❖.
 —، ۱۴۰۴ ق، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
 —، ۱۴۱۰ ق، *كتاب البيع*، قم، اسماعیلیان.
 مؤمن، محمد، ۱۳۸۰، «رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲.
 نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.*
 نراقی، احمدبن محمد مهدی، ۱۳۸۹، *مستند الشیعة فی احکام الشریعة*، قم، آل‌البتیت ❖ لاجیاء التراث.
 نرم افزار جامع رساله مراجع معظم تقلید (شامل رساله امام خمینی، مقام معظم رهبری، آیت الله مکارم شیرازی و ...) هیرید، علی، ۱۳۵۲، *مسائل اقتصادی اسلام، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب.*

نمایه عناوین مقالات (شمارگان ۱۱ - ۱۲)

- تعامل نرخ بهره پولی و رشد اقتصادی، رحیم دلالی اصفهانی و اسماعیل محمدی، ش ۱۱، ص ۵-۲۸
 جایگاه مالیات تورمی در اقتصاد اسلامی، نصرالله خلیلی تیرتاشی، ص ۲۹-۴۸.
 نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، محمد نقی نظریور و یحیی لطفی‌نیا، ش ۱۱، ص ۴۹-۷۰
 شاخص بانکداری اسلامی، محمدجواد توکلی و عبدالخالق کریمی، ش ۱۱، ص ۷۱-۹۴.
 روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛ از نگاهی دیگر، ش ۱۱، ص ۹۵-۱۱۹.
 تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا (ص) در حوزه اقتصاد کشاورزی، ش ۱۱، ص ۱۱۹-۱۴۲.
 حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی راه‌کاری بهینه برای هدایت و ...، ش ۱۱، ص ۱۴۳-۱۶۳.
 پیغامی، عادل؛ سرآبادانی تفرشی، حسین؛ ایزدبخش، حمید، بازخوانی نظریه شهید صدر در الگوی فقهی توزیع درآمد میان عوامل تولید بر اساس نظریه عاملیت، ش ۱۲، ص ۵ - ۲۲.
 پناهی، حسین، نصیب‌پرست، سیما، عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در استان‌های ایران با تأکید بر قرض‌الحسنه: رویکرد اقتصادسنجی بیزی، ش ۱۲، ص ۲۳ - ۴۲.
 رجائی‌رامشه، سیدمحمدکاظم، درآمدی بر شکل‌گیری قیمت و تعیین مقدار تولید در بازار اسلامی، ش ۱۲، ص ۴۳ - ۶۴.
 جابری، علی، قاسمی اصل اصطهباناتی، محمدجواد، تحلیل جایگاه استقراء در روش شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام، ش ۱۲، ص ۶۵ - ۸۶.
 عیسوی، محمود، محمودی، اعظم، اوراق استصناع و تأمین مالی خرد در مناطق محروم، ش ۱۲، ص ۸۷ - ۱۰۸.
 آسایش، حمید، حسینی نسب، سید ابراهیم، سحابی، بهرام، اجرای قانون بانکداری بدون ربا، حلقه ای مفقوده در تحقق اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۲، ص ۱۰۹ - ۱۲۵.
 کاشیان، عبدالمحمد، بررسی دوگان‌های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن‌ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران، ش ۱۲، ص ۱۲۶ - ۱۴۷.